

جان بچتل (John Bachtel)

برگردان: گیتی قویدل

### ستیز سرمایه‌داری با طبیعت و بشر

نجات بشر از نابودی خویشتن مساله‌ی جدی دوران ماست. به هر شکل از بین رفتن موجودات بر روی کره‌ی زمین به وسیله‌ی نابودگران هسته‌ای یا در دوره‌ای طولانی به واسطه‌ی آلاینده‌های محیط زیست مساله‌ی روشن و آشکار عصر ماست. برای مثال بحران گرم شدن زمین ناشی از بی‌توجهی به آنچه در زندگی خویش انجام داده‌ایم، است و زندگی فرزندانمان را نیز درگیر خواهد ساخت. به تازگی پسرم نظراتی را بیان کرده است که به احتمالی بازتابی از ترس و نگرانی نسل اوست. وی در حسرت برف در محله‌های شیکاگو است. پسرم می‌گوید: «من مجبورم برای بچه‌هایم توضیح دهم که برف چه شکلی است.»

نگرش مارکسیستی به بحران زیست‌محیطی:

جنبش زیست‌محیطی بزرگ‌ترین نیرو و انگیزه‌ی خود را از کتاب مشهور راشل کارمن «بهار خاموش»<sup>(۱)</sup> گرفته است که به جرقه‌ای برای متنوع کردن د.د.ت بدل شد، اما جدی‌ترین نگرانی برای نابودی محیط‌زیست از تاریخ پیدایش سرمایه‌داری آغاز شده است. در حقیقت مارکس و انگلس نخستین مدافعان محیط‌زیست بودند. آنان به همراه بسیاری از مارکسیست‌ها سال‌های زیادی با قدرت در پیشرفت دانش نوین محیط‌زیست و پیوند زدن آن با فلسفه‌ی ماتریالیسم-دیالکتیک کوشیدند. اساس فلسفه‌ی ماتریالیسم دیالکتیک (فلسفه‌ی تغییر، رابطه‌ی درونی و تکامل جهان مادی) زیر تأثیر تکامل داروین و اکولوژی زیست‌شناسی سلولی و قوانین ترمودینامیک است. مارکس و انگلس همچنین از بررسی‌های «فون لیبگس آلمانی»<sup>(۲)</sup> Von Liebig متخصص کشاورزی در خصوص ترکیبات خاک به منظور حل بحران زود هنگام کشاورزی سرمایه‌داری استفاده کرده‌اند.

کشف‌های لیگس نشانگر تخریب و نابودی است، که کشاورزی سرمایه‌داری با از بین بردن طبیعت و تحلیل و تهي کردن مواد معدنی خاک به وجود آورده بود. مارکس خاطر نشان کرد که انسان‌ها یا باید به یک رابطه‌ی متقابل با طبیعت دست بزنند و یا نابود شوند. این تعامل یا طبیعت نه تنها آن را دگرگون می‌سازد، بلکه انسان‌ها را نیز تغییر می‌دهد. در نظام سرمایه‌داری خودبیکانگی انسان‌ها از کار و طبیعت پیرامونشان به شکل یک‌سانی است. این سیستم، کارگر و طبیعت را به کالاهایی مبدل ساخته است که هر دو را مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌دهد. عادت‌های انسانی و ارتباطشان با طبیعت در روند کار، ابزار تولیدشان را به وجود می‌آورد. این ارتباط را شیوه‌ی اقتصادی جامعه، اداره و هدایت می‌کند.

در اقتصاد سرمایه‌داری ابزار تولید به شکل خصوصی اداره می‌شود که شامل تمامی ماشین‌آلات فن‌آوری - و ابزارهای هوشمند و ... - و تمامی منابع طبیعی است که کارگران از آنها در جهت تولید برای مصرف‌کنندگان استفاده می‌کنند. کارگران، کنترلی روی فرایند تولید ندارند. هر تصمیمی برای آنچه که تولید می‌شود یا چگونگی روند تولید بر اساس حداکثر سود حاصل از تولید استوار است. کارگران از کار و توانایی‌هایشان که در تغییر دادن طبیعت استفاده می‌شود ناراضی هستند. محصولات کارگران و فرآورده‌های طبیعت در انحصار سرمایه‌داری است. ظهور سرمایه‌داری یا خصوصی‌سازی سرمایه نه تنها خلاقیت کارگران را کاهش داده است، بلکه به تحلیل و نابودی طبیعت، زندگی و فعالیت‌های زیست‌محیطی ما هم منجر شده است. همه چیز در زندگی در تعامل با یکدیگر هستند و به نوعی با هم پیوند خورده‌اند. قریب پنج میلیارد سال از روند تکامل این طبیعت پیچیده، تعامل‌ها و برخوردهای نظام زیست‌محیطی با روابط طبیعی، گذشته است و تمامی زندگی که شامل زندگی انسان‌ها نیز هست حاصل این پیشرفت و تکامل است. انسان، جامعه و طبیعت با هم رشد کرده‌اند. انسان بخشی از طبیعت جهان است آن را مخالف تکامل نمی‌داند و خود را بالاتر یا جدا از آن تصور نمی‌کند. هر چیزی که بر طبیعت تأثیر می‌گذارد بر انسان‌ها و جامعه نیز تأثیر خواهد گذاشت. به همین دلیل است که «بری کامنر Barry Commoner» یکی از بزرگ‌ترین طبیعت‌شناسان می‌گوید: «بحران زیست‌محیطی، بحران اجتماعی نیز هست. سرمایه‌داری شیوه‌ی سلطه در تولید است پس بحران در محیط زیست، بحران در سرمایه‌داری را نیز موجب می‌شود.»

به دلیل وابستگی طبیعت و جامعه به یکدیگر فعالیت انسان در طبیعت، مجموعه‌ای از تعامل‌ها و دگرگونی‌ها را موجب شده است. مارکس این فرآیند نیروی کار را در کتاب سرمایه‌ی خود با عنوان تکامل انسان و طبیعت توضیح داده است، فرآیندی که از طریق

فعالیت‌های مربوط به خود، شکل‌گیری تفکر، کنترل و ساماندهی فعل و انفعالات بین خود و طبیعت پیرامونش را سامان می‌دهد. ضمن آن‌که انسان‌ها از طریق زندگی شهری طبیعت را دگرگون کرده‌اند. سرمایه‌داری روندی از تهی‌سازی و چپاول طبیعت را آغاز کرده است که تا پیش از این سابقه نداشته است. مارکس در کتاب مشهورش سرمایه نقل قول معروفی دارد: «کشف طلا و نقره در آمریکا آغازگر نسل‌کشی، بردگی و مدفون‌شدن جمعیت بومی در معادن، استیلا و چپاول‌گری در هندوستان و معطوف‌شدن به آفریقا به منظور تجارت سیاه‌پوستان است که آغاز طلوع درخشان سرمایه‌داری در مقیاس جهان بوده است.» درست در همین سال‌هاست که سرمایه‌داری، محیط‌زیستی را دگرگون کرده است که بیش از میلیون‌ها سال از به‌وجود آمدن آن می‌گذرد. چنین تغییرهایی تأثیر ماندگار، عمیق و ژرفی را به‌جا گذاشته است و نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که پیامدهای طولانی مدت حاصل از این تغییرها چه خواهد بود؟ تمایلات و بران‌گرایانه‌ای که در این حرکت وجود دارد آثار و نتایج وسیع و چندجانبه‌ای را بر تمامی اکوسیستم‌ها به‌جا خواهد گذاشت که شامل تغییرات‌های ژنتیکی بر روی گیاهان و جانوران نیز هست.

بحران زیست‌محیطی حال حاضر:

بحران زیست‌محیطی کنونی را درون چارچوبی از سلطه‌ی شیوه‌ی تولید امروزی بر روی کره‌ی زمین و برتری سلطه‌ی انسان در تقابل با طبیعت می‌توان دید. روند تولید سرمایه‌داری بر حداکثر سود قرار گرفته است، بدون آن‌که تخریب محیط‌زیست را در نظر بگیرد. نگرانی طرفداران سرمایه‌داری جهت کسب سود آنی بیش از نگرانی آنان در نابودی محیط زیست است. سرمایه‌داران نه تنها گورشان را به دست خود می‌کنند، بلکه ما را نیز با خود خواهند برد.

این نظام بی‌قانون و هرج و مرج طلب، ناتوان از به‌وجود آوردن تناسبی با قوانین طبیعی است. برای مثال، پس از جنگ دوم جهانی، به موازات رشد شرکت‌های انحصاری کشاورزی، تغییر در شیوه‌های تولید کشاورزی به‌خصوص در استفاده‌ی بیش از اندازه‌ی کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها جهش ژنتیکی در دانه‌ها موجب شده‌اند و این نتیجه‌ی رشد و انحصاری‌شدن کشاورزی و سوق آن برای حداکثر سود حاصله بوده است. با قدرت بلامنازع و مطلق اقتصادی آنان مصمم به هدایت همه‌جانبه‌ی روند تولید کشاورزی شده‌اند و پیامد و واکنش آن تخریب خاک و افزایش زمین‌های لم‌بزرع است. بعد از جنگ اول جهانی صنعت نفت پدیدار و مجبور شد بازاری برای مازاد مواد شیمیایی حاصل از جنگ پدید آورد. این مواد را در حال حاضر برای کشتن انسان‌ها و آفت‌ها استفاده می‌کنند و این آغاز پیشرفت شگرف در تولید مواد اولیه به‌شکلی گسترده

و وسیع با عنوان حشره‌کش‌ها و ایجاد جهش ژنتیکی در کشاورزی بوده است. این موضوع به شکلی، مشابه در شرکت «شیمیایی دی پونت Dupont Chemical Corporation» وجود داشت. رییس آن در حمایت از شرکت جنرال موتور تصمیم به استفاده از سرب در بنزین گرفت و دیگر افزودنی‌های سرخت را برای جایگزین کردن پذیرفت و با این کار بازار وسیعی را برای خویش به وجود آورد. شرکت‌های روغن، اتومبیل، لاستیک با همدیگر متحد شدند و با خرید وسایل حمل و نقل قطاری، مردم را وادار کردند به جای استفاده از ترن، از اتوبوس و اتومبیل استفاده کنند.

امروزه صنعت خودروسازی نفوذ بی‌چون و چرایی بر شیوهی اقتصاد ما دارد. اتومبیل، نود درصد از سهمیهی حمل و نقل را تشکیل می‌دهد. سرمایه‌گذاری برای بزرگراه‌ها رو به افزایش است، ضمن آن‌که بر روی حمل و نقل عمومی رو به کاهش است. امروزه صنعت خودروسازی، وسایل نقلیهی بزرگ‌تری را خواهان است. چراکه وسایل نقلیهی بزرگ‌تر موتور بزرگ‌تر و در نتیجه سود بیش‌تری با خود به همراه خواهد داشت. حیات انسان در مخاطره است:

امروزه حیات انسان و طبیعت در مخاطره است. سیستم زیست‌محیطی بشر به کلی در خطر نابودی است و این تصویری از گزارش فوق‌العاده دقیق بیش از هزار نفر از دانشمندان برجستهی سراسر جهان به وسیلهی سومین برنامهی جهانی محیط‌زیست سازمان ملل است. این برنامه، پیش‌بینی کرده است که طی ۳۰ سال آینده اگر انسان شیوهی اقتصادی خویش را از آن‌چه که «نخستین بازار»<sup>(۱)</sup> نامیده می‌شود (یعنی توسعه و رشد نامحدود و بی‌رویهی سرمایه‌داری) تغییر ندهد و توسعهی پاینداری را نپذیرد فاجعهی زیست‌محیطی اتفاق خواهد افتاد. تحت‌پوشش این برنامه کره‌ی زمین به‌صحرایی بی‌آب و علف و برهوت با شهرهایی مملو از جمعیت بدل می‌شود و ساکنان این مناطق وسیع و گسترده بر اثر تشنگی، بیماری‌های ناشی از کمبود آب مصرفی از بین خواهند رفت. تغییرهای فزایندهی آب‌وهوا موجب نابودی گیاهان و جانوران در سطحی وسیع شده و طغیان و سیل رودخانه موجب ایجاد مناطق بیابانی شده است و پیش‌بینی می‌شود که به‌طور حتم ده‌ها میلیون نفر کشته خواهند شد. گزارش اخیر سازمان استاندارد محیط‌زیست آمریکا حاکی از قبول این نقطه‌نظرات است. حتا اگر امروز انسان بتواند این روند را متوقف‌کند، سال‌ها برای چیران این تخریب‌ها زمان لازم است. بحران زیست‌محیطی و بزرگی جهانی دارد و اندازهی این بحران به قدری است که تا پیش از این

دیده‌نشده‌است. مناطق توسعه یافته‌ی دنیا تأثیرات شدیدی را ناشی از این بحران متحمل شده‌اند و این مناطق خواستار تمهیدی قانونی در استفاده از شیوه‌های خاص و امکانات مالی هستند. شمار بحران‌های طولانی در حال افزایش است. مهم‌ترین ظهور آن در گرم شدن زمین و وخیم شدن بیش از حد وضعیت آب‌وهوایی همانند «ال‌نینو» و «لاینا»، که هر سه تا هفت سال در مناطق وسیعی از اقیانوس آرام تغییر می‌کند و موجب توفان‌های سهمگین و باران‌های سیل‌آسایی می‌شود، اشاره کرد. بعضی از مناطق به خاطر باران‌های مداوم و طغیان رود در سیلاب گرفتارند و در دیگر سرزمین‌ها با رشد کویرها مناطق خشک و لم‌یزرع را شاهد خواهیم بود.

یکی از عوامل آتش‌سوزی در غرب همین وضعیت است. صدها هزار هکتار از جنگل‌ها از بین رفته و آب و هوا تغییر کرده است. وجود کلر و فلوئورکربن باعث تحلیل رفتن لایه‌ی ازن و پدیدار شدن سوراخی در این لایه در قطب جنوب شده است که آغاز آن به سی سال قبل برمی‌گردد. عمیق‌ترین این شکاف در سال ۲۰۰۰ به میزان سه برابر وسعت ایالت‌های متحد آمریکا افزایش یافته است و کوچک‌ترین سوراخ لایه‌ی ازن بیش از وسعت اروپا و قطب شمال ثبت شده است. لایه‌ی ازن نخستین لایه‌ی حفاظت‌کننده بین اشعه‌ی مرگبار ماورای بنفش نور خورشید و زمین است. ضمن آن‌که کلروفلوئورکربن در حال خارج شدن است حدود صد سال طول خواهد کشید تا این سوراخ ترمیم یابد. اما نگرانی جدیدی که وجود دارد، این است که گرم شدن کره‌ی زمین موجب تحلیل و آسیب دیدن لایه‌ی ازن و بزرگ‌تر شدن سوراخ آن می‌شود. در خصوص جایگزینی گازهای کلروفلوئورکربن نقطه‌نظر جدید دیگری نیز وجود دارد و آن هیدروکلروفلوئور است که شاید قوی‌تر و مؤثرتر از دی‌اکسیدکربن عامل گرم شدن زمین باشد. بیش از ۷۵ هزار نوع مواد مصنوعی به‌وسیله‌ی سازمان حفاظت محیط‌زیست به ثبت رسیده است که تنها تعدادی از آن‌ها ترکیباتشان آزمایش شده و اثرات آن بر روی مردم مشخص شده است تاکنون حدود چهارصد ترکیب در بدن انسان شناخته شده است. بیل مایزر Bill Meyers روزنامه‌نگار، مواد موجود در بدن خویش را مورد آزمایش قرار داده و پرونده‌ای را با عنوان «رازهای تجارت»<sup>(۱)</sup> تشکیل داده است. آزمایش‌ها نشان داد که در بدن او ۸۴ نوع ماده‌ی شیمیایی مصنوعی وجود دارد. پلیمرهای کلرید مهم‌ترین محصول مصنوعی تولیدشده‌است که در نم مصنوعی و ایجاد صنایع به‌کار می‌رود و هر ساله بالغ بر ۲۲۰-۲۳۰ میلیون تن از این ماده به‌وسیله‌ی صنایع شیمیایی

تولید می‌شود. این‌ها مواد شیمیایی ماندگاری هستند و مقاومت آنان در هم شکسته نخواهد شد و بالغ بر چهارصد ملیون تن از آن‌ها در محیط‌زیست وجود دارند و وقتی سوزانده شوند گاز مرگ‌آور دی‌اکسیدکربن را تولید می‌کنند. برای تولید «پی‌وی‌سی» اتیل‌دی‌کلرواید نیاز داریم و این ماده‌ی شیمیایی بیش از ۱۰ درصد از همه‌ی مواد مصنوعی هم‌رده‌ی خویش قابلیت تخریب محیط‌زیست را دارد و به‌عنوان ماده‌ی سرطان‌زا و مخرب اعصاب شناخته شده است. زباله‌های سمی صنایع آفریقا که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تن است هر ساله وارد محیط‌زیست می‌شوند و ۳۰ هزار مکان برای دفن این زباله‌ها وجود دارد.

این زباله‌ها سمی در آب‌های زیرزمینی نفوذ می‌کنند و بیش از پیش آب‌های زیرزمینی قابل آشامیدن را ناامن و خطرناک می‌سازند. چنان‌چه این‌کار متوقف نشود، بالغ بر صد هزار محموله از زباله‌های سمی حاوی مواد رادیواکتیو و اتمی در کوه‌های «یاسی» و «نوادا» برای انبار فرستاده خواهد شد. انبار و تراکم مواد شیمیایی و زباله‌های اتمی، نیترات‌ها و دیگر چیزها موجبات رشد سریع سرطان‌ها و به‌دنیا آمدن فرزندان ناقص‌الخلقه و نابهنجاری می‌شود. این سموم همانند آتشی در زیر خاکسترند. انسان توازن محیط‌زیست را برهم می‌زند:

۷۸٪ از اتمسفر زمین مخلوطی از گاز نیتروژن است و این به‌شکلی است که بیشتر موجودات زنده نمی‌توانند از آن استفاده کنند و این توازن به‌وسیله‌ی باکترهای موجود در خاک ثابت نگه داشته می‌شود.

حیات بشری مقدار کمی از این نیتروژن را برای استفاده تنظیم کرده، اما در چند دهه‌ی گذشته روند تولید سرمایه‌داری این مقدار به دو برابر آنچه در چرخه‌ی نیتروژن زمین بوده، رسانده است. گاهی اوقات به اکسیدنیترو که گازی گلخانه‌ای است. تبدیل می‌شود. زمانی که اکسید نیتريد با هیدروکربن ترکیب می‌شود موجب بخار و باران اسیدی می‌شود که به‌عاملی برای تحلیل‌رفتن لایه‌ی ازن تبدیل می‌شود. مقدار نیتروژن موجود در رودخانه‌ها و رودها به‌طور شگرفی افزایش یافته است. میزان نیتروژن موجود در رودخانه‌ی می‌سی‌سی‌پی از ۱۹۶۵ دو برابر شده است. بسیاری از دانشمندان معتقدند که برای گسترش بحران اکولوژیکی که در اقیانوس ایجاد شده، مسرول هستیم. بحران موجود باعث از دست رفتن اکسیژن می‌شود - انبوهی از جلبک‌ها ر خزه‌ها در دهانه‌ی رودها و کنارهای ساحل به‌شکلی خزننده و آرام مناطق مرده‌ای را به‌وجود آورده‌اند این محل‌ها که در کف آب وجود دارند فاقد اکسیژن هستند. برای مثال می‌توان به کیلومترها مناطق مرده که در دهانه‌ی رودخانه‌ی می‌سی‌سی‌پی به‌وجود آمده است،

اشاره کرد. از بین رفتن اکسیژن موجود در آب ناشی از نابودی تنوع گیاهان و جانوران درون اقیانوس است. طی چند دهه‌ی گذشته ۲۵ میلیون هکتار صخره‌های مرجانی گیاهان آبی و جلبک‌های دریایی تخریب شده‌اند و این در درازمدت بر زنجیره‌ی غذایی بشر تأیراتی را برجا خواهد گذاشت. ما همچنان جنگل‌زدایی و بیابان‌سازی‌ها را تجربه می‌کنیم. در آسیا و آفریقا بسیاری از جنگل‌ها که یوشش‌های گیاهی بسیار فوق‌العاده را در خود دارند در حال تخریب و نابودی هستند. بحران بیابان‌سازی را در مونتانا و بعضی از ایالت‌های غربی شاهدیم که یادآور «داست بویل» است، که بیش از ۱۳۵ میلیون نفر را در ۱۱ کشور جهان به‌خصوص در مناطق فقیرنشین و روستایی سراسر جهان تحت‌تأثیر خود قرار داده است. حدود ۶۰ میلیون از مردم در صورت عدم توقف فرایند بیابان‌سازی در جنوب صحرائی کبیر در شمال آفریقا آن‌جا را ترک خواهند کرد. کمبود آب مصرفی یک بحران جهانی است. نمودارها و جدول‌ها حاکی از سقوط شدید میزان آب مصرفی برای فرآورده‌های کشاورزی است و این تهدیدی جدی برای زمین‌های وسیع آنان است. کشمکش شدیدی بین شیوه‌ی غالب تولید و حفاظت‌کردن از محیط‌زیست کره‌ی زمین وجود دارد. طبیعت، محدودیت‌هایی دارد در بعضی از مواقع تخریب و تغییر محیط‌زیست و طبیعت دگرگونی کیفی را موجب می‌شود که تغییرات جبران‌ناپذیری را در زندگی ما ایجاد می‌کند که قادر نخواهیم بود آن‌ها را دوباره جبران و یا حتا به آن شرایط نزدیک شویم.

صلح و پدیده‌ی زیست‌محیطی:

وجود سلاح‌های کشتار جمعی، همواره، خطری را برای انسان‌ها و طبیعت مطرح می‌کند. استفاده از آن‌ها صدمات جبران‌ناپذیری را به اکوسفر زمین و نابودی نوع بشر وارد می‌کند. سیاست‌های امپریالیسم و سوق‌دادن منافع در جهت صنایع نظامی نه تنها خطرات هسته‌ای را افزایش می‌دهد، بلکه در نهایت بقای خویش را هم به‌مخاطره می‌افکند. تشنج و درگیری‌های بین پاکستان و هند نزدیک بودن جنگ هسته‌ای دهشتناکی را افزایش می‌دهد. حتا جنگی منطقه‌ای در آن‌جا می‌تواند پیامدهای ویرانگرانه‌ای را برای مردم و طبیعت به همراه داشته باشد و تخمین زده‌اند که ۹-۱۲ نفر به فوریت خواهند مرد و حدود بیش از ۱۲-۱۷ میلیون نفر به شدت مجروح خواهند شد. نگرش و دیدگاه هسته‌ای بوش و امکان انفجار بمب‌هایی که در زاغه‌های مهمات وجود دارند، می‌تواند درحقیقت موجب متصاعدشدن گاز و تشعشع رادیواکتیو ته‌ی خطرناک و مرگ‌آوری شود که سطح وسیعی از اراضی روی زمین را برای مردم بلااستفاده کند. اگر جنگ‌های ستارگان واقعی بودند و کلاهدک‌های هسته‌ای استفاده می‌شدند جان میلیون‌ها

نفر از مردم در معرض خطر ناشی از این بمب‌های هسته‌ای قرار می‌گرفت. ما هنوز با اثرات حاصل از سلاح‌های هسته‌ای آزمایش شده در «نوادا» طی دهه‌ی ۱۹۵۰ روبه‌رو هستیم. در آزمایش‌های هسته‌ای انجام شده ۱۵۰۰۰ نفر آمریکایی کشته و بیش از ۸۰ هزار نفر دچار سرطان شدند. صنایع هسته‌ای، پانزده هزار تن ضایعات مرگ‌آور تولید کرده است که شامل به هدر دادن پلوتونیوم جهت ساخت سلاح‌های کشتار جمعی است. سایت «راک‌فلت Rock Flat» و دیگر پایگاه‌ها برای محیط‌زیست فاجعه‌ساز هستند. در حال حاضر کشمکش و درگیری بر سر انتقال ضایعات اتمی به کارولینای جنوبی است. ایالت‌های متحد آمریکا ۱/۱ میلیارد پوند اورانیوم فاقد ترکیبات اصلی را داراست. عمر این مواد رادیواکتیو ۲۵/۲ میلیارد سال است. از این اورانیوم در خلیج فارس، بوسنی و بالکان استفاده شده و منطقه‌ی وسیعی را برای نسل‌های بعدی آلوده کرده است. تأسیسات نظامی از آلوده‌ترین بخش‌های یک کشور است. بخشودگی‌های مالیاتی ارتش از قانون و کاهش فشار به وسیله‌ی سازمان‌های کنترل‌کننده سبب تولید بیش از ۲۷۰۰۰ تن زباله‌های سمی شده که در ۸۵۰۰ مکان و امکانات نظامی نگهداری و انبار می‌شود.

بیش از ۲۰ هزار تن سلاح‌های شیمیایی مرگ‌بار در انتظار تخریب و ویران کردن هستند. پاک کردن محیط‌زیست سال‌ها وقت می‌برد و صدها هزار فرصت شغلی ایجاد خواهد کرد. بمباران وسیع «ناول: جزیره‌ی «ویکوز» را هم آلوده کرد و پس از سال‌ها هنوز غیر قابل سکونت نیست. میزان سرطان و بیماری‌های قلبی بسیار زیادتر از دیگر مناطق است. ده‌ها هزار از معادن روی زمین به دست شرکت‌های آمریکایی در سراسر جهان به وجود آمده و خطرات مرگ‌آوری را به میلیون‌ها نفر از مردم تقدیم داشته‌اند. تعطیل کردن شرکت‌های نظامی «این تاجران مرگ» پایان دادن به آزمایش‌ها و تولیدات سلاح‌های هسته‌ای و غیرقانونی اعلام کردن استفاده از آنان و از بین بردن آلودگی‌ها موجب به وجود آمدن نبردی برای صلح و حفظ محیط‌زیست شده است.

ریس جمهور ضد محیط‌زیست:

در تاریخ، دولت بوش را به عنوان بزرگ‌ترین مخالف محیط‌زیست شناخته‌اند. نیروهای سلطه‌گر که سیاست دولت بوش را به پیش می‌برند کنترل شرکت‌های استخراج‌کننده‌ی نفت، زغال‌سنگ و سوخت اتمی و... و همچنین صنایع پیچده‌ی نظامی و خودروسازی را در انحصار خود دارند. این شرکت‌ها به خاطر سود سرشاری که سبب کرده‌اند قدرت و توان اقتصادی‌شان را حول کربن که اساس و بنیاد سوخت اتمی یا انرژی هسته‌ای، نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ است، قرار داده‌اند. سوق دادن کارخانه‌ها

بدان سو حاکی از سود سرشار آن است. انرژی حاصل از کربن بیش از انرژی خورشیدی و نیروی باد، سودآور است.

ایالت متحده آمریکا بیش از ۲۵ درصد از گازهای گلخانه‌ای را در جهان تولید می‌کند و ۸۰ درصد مابقی را ۱۲۲ شرکت دیگر تولید می‌کنند. در سراسر دنیا سوخت‌های هسته‌ای از قدرت و انرژی گیاهان به‌خصوص زغال‌سنگ ۶۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کنند. گازهای گلخانه‌ای به میزان زیادی از دی‌اکسیدکربن تشکیل شده است. انرژی حاصل از سوخت‌های هسته‌ای ۷۵ درصد دی‌اکسیدکربن را تولید می‌کند. جنگل زدایی ۲۰ درصد دی‌اکسیدکربن را افزایش می‌دهد. در آمریکا سوخت حاصل از زغال‌سنگ بالغ بر ۴ درصد دی‌اکسیدکربن تولید می‌کند. سلطه‌ی شرکت‌های انحصاری در تضاد با سازمان انرژی و سازمان محیط‌زیست است. رییس سازمان انرژی «اندروکارو» عضو صنایع هسته‌ای است. آن‌ها نوشته‌اند که سیاست انرژی بوش به کلی مسایل آب و هوایی و دانش‌های مربوط به جوشناسی را نادیده می‌گیرد. به نظر او تنها هدف آنان حمایت از بازارها و افزایش سوددهی است. صنایع زغال‌سنگ به‌خصوص «پی بادی انرژی» (Peabody Energy) بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده در جهان نقش مؤثر و کلیدی در این مورد دارد. این سیاست خواهان ۱/۳۰ میلیون تن سوخت فسیلی اضافه‌تر برای انجام برنامه‌های انرژی در آمریکاست. آنان مانع از هرگونه به انرژی‌های ثانوی چون باد و انرژی خورشیدی شده‌اند.

این چنین شرکت‌هایی از طریق دولت و کنگره، سیاست‌ها و قوانینی را که مانع فعالیت شرکت‌های آلوده‌کننده هستند، از بین می‌برند. تنها در این هفته سازمان حفاظت محیط‌زیست قانون‌های جدیدی را اعلام کرده است که بدترین نیروگاه‌های آلوده‌کننده می‌توانند به کار خود ادامه دهند بدون آن‌که جریمه یا مجازاتی در پیش باشد. این قانون هوای پاک را از بین خواهد برد. بسیاری از مشاغل رسمی، زمان زیادی نخواهد گذشت که کاری نخواهند داشت و این اجباری است که شرکت‌های نظم‌دهنده و سامانگر به وجود آورده‌اند. بیشترین نیروهای فاسد در سیاست معمول شامل این شرکت‌ها هستند، آنان در انتخابات رسمی هر دو حزب نفوذ می‌کنند و در کنار جمهوری خواهان پژوهش‌های علمی را تخریب می‌کنند. آن‌ها عمده نیروهایی هستند که مسروند تا از اعضای معاهده‌ی «کیوتو» جلوگیری به عمل آورند، معاهده‌ای که نقایصی زیادی دارد اما روند جهانی پربار و هدفمندی به منظور حل بحران گرم شدن زمین در دست انجام دارد. به کنار از این ناکامی بعضی از دولت‌ها پذیرفتند، که خودشان باید گازهای گلخانه‌ای را محدود کنند و جنگ بزرگی در پالمان کالیفرنیا بر سر این موضوع آغاز شده است.

نگرانی جدید برای آینده‌ی کره‌ی زمین:

رشد بحران زیست‌محیطی نگرانی جدی را در آمریکا برای آینده‌ی کره‌ی زمین به وجود آورده است. این نگرانی به شکلی تاریخی با کشمکش‌هایی در تقابل با شرکت‌ها به هم گره خورده است. پشت هر فعالیت تخریبی زیست - محیطی نشانی از حرص و آز این شرکت‌ها قرار دارد. در سراسر جنبش زیست - محیطی تمایلات ضد شرکت‌های سهامی به شکل قوی وجود دارد. این موضوع موجب شد که جنبش ضدانحصارطلبی مردم به بخش کلیدی و مهمی از جنبش زیست - محیطی بدل شود چرا که، قدرت شرکت‌ها از درون قوی‌ترین و ارتجاعی‌ترین بخش‌های سرمایه‌داری انحصاری به وجود آمده است. این موضوع مهمی برای ایجاد ائتلافی علیه راست‌گرایان افراطی و دفاع از دموکراسی است و می‌تواند به هدف مهمی در انتخابات بدل و به عاملی قوی در پیشرفت بخش عظیمی از جامعه‌گرایان آگاه، منجر شود.

نخستین جنبش مدافعان محیط‌زیست که در آمریکا به شکل جدی شکل گرفت، به وسیله‌ی طبقه‌ی متوسط جامعه در واکنش علیه محدود کردن شرکت‌هایی که منابع طبیعی ما را کاهش می‌دادند، بود. جنبش‌های زیست‌محیطی شهری ابتدا، هدف را بهداشت و سلامت عمومی قرار دادند و به پیروزی‌های مهمی دست یافتند. در گذشته سازمان‌های زیست - محیطی ایجاد شده توجه‌ای به محیط‌زیست و تأثیرات آن بر روی کارگران و مردم رنگین‌پوست در محیط کار و کارخانه‌ها و جامعه نداشتند. بسیاری از گروه‌های بزرگ (جنبش‌های بزرگ) زیست‌محیطی از طرف بعضی از بزرگ‌ترین شرکت‌ها تأمین مالی می‌شوند. این جنبش‌ها معتقد هستند که از طریق گروه‌های فشار موجود در کنگر، هدف‌های قانونی و محدودیت‌ها را افزایش داده‌اند چرا که راست‌گرایان افراطی و نیروهای شرکت‌های قبلی، دادگاه‌ها را زیر سلطه‌ی خویش دارند. به‌خاطر محدودیت‌های ایجاد شده به وسیله‌ی شرکت‌های مدافعان محیط‌زیست بسیاری از گروه‌ها و کارخانه‌ها که منشأ مردمی داشتند اساس جنبش زیست محیطی را در مخالفت با شرکت‌هایی قرار دادند که به‌طور مستقل در دهه‌ی ۷۰-۸۰ پیشرفت و توسعه یافته بودند. نتیجه‌ی این درگیری‌ها و کشمکش‌ها متحد شدن کارگران آفریقایی، آمریکای لاتین و سرخ‌پوستان به همراه دیگر مخالفان در این جنبش بود. درگیری‌های آنان شامل مبارزه با کارخانه‌های خطرناک مراد شیمیایی بود که منجر به ایجاد اداره‌ی بهداشت و ایمنی در محل کار شد. از طرفی ممانعت از در معرض قرار گرفتن با سرب موجود در رنگ و بنزین و استفاده از حشره‌کش‌ها و آفت‌کش‌ها که بر روی کارگران کشاورز تأثیر می‌گذاشت، گروه‌های بی‌شماری را در مقابل جایگاه‌های وسیع و

گسترده‌ی تولید سمومی که به خصوص طبقه‌ی کارگر، آفریقای‌های آمریکایی و سرخ‌پوستان دیگر قشرهای زیرستم در معرض آنند، به مبارزه ترغیب کرد. پیامد این مبارزه، جنبش عدالت‌خواهانه‌ی زیست‌محیطی است که شکل گرفت. چنین جنبشی اثر بسیار مهمی بر روی تمام جنبش‌های زیست-محیطی داشته است که سازمان‌های به‌وجودآمده‌ی قبلی را هم در برمی‌گیرد. اما عواملی نیز نقش منفی ایفا می‌کردند، نفوذ جریان‌های نژادپرست، ضدیت با طبقه‌ی کارگر، اندیشه‌هایی هستند که به وحدت این مبارزه صدمه می‌رسانند. بسیاری از گروه‌های بنیادگرای زیست‌محیطی نشان داده‌اند که جرانان و دانشجریان نقش بزرگی را بازی می‌کنند. حزب سبز و جریان‌های سبز سراسر کشور را فراگرفته‌اند. رای «رالف ندر» کاندیدای سبزها نشانگر این گستردگی و وسعت اطلاع و آگاهی از مسایل زیست‌محیطی است.

بحران زیست‌محیطی و بحران جهانی‌کردن:

بحران وسیع و جهانی زیست‌محیطی به‌وسیله‌ی سیاست‌های امپریالیستی ایجاد شده است. توسعه‌نیافتگی، فقر، تهی و بی‌معنا شدن مسایل زیست‌محیطی دست به دست هم داده است. ضعیف‌ترین قوانین علیه آلودگی و اعمال آنان در کشورهای درحال توسعه، اقدامات جنایتکارانه شرکت‌های برون‌مرزی و صنعت وسیع و پیشرفته‌ی آنان، دفن زباله‌ها به‌خصوص از طرف کشورهای سرمایه‌داری موجب تهی شدن خاک از مواد مغذی و به‌مخاطره‌افتادن وضعیت زمین می‌شود.

مواد سمی و آفت‌کش‌هایی که هنوز در زمین‌های کشاورزی کشورهای جهان سوم به‌طور منظم مورد استفاده قرار می‌گیرند. مدت‌هاست که در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری استفاده از آن‌ها ممنوع است و این حاصل جنبش‌های وسیع زیست-محیطی در آن کشورها بوده است. (به‌طور مثال می‌توان به استفاده از «د.د.ت» و بنزین حاوی سرب که به‌وسیله‌ی این شرکت‌ها به کشورهای درحال توسعه فروخته می‌شود، اشاره کرد). منابع طبیعی، زمین‌های کشاورزی و جنگل‌ها درحال تخریب و غارتند که درواقع این پیامد جز نتیجه‌ی سیاست‌های برون‌مرزی کشورهای توسعه‌یافته نیست. فرسایش بیش از حد خاک و بیابان‌سازی‌ها در کنار یک‌دیگر درحال گسترش است، بحران زیست‌محیطی درواقع مرحله‌ی جدیدی از بحران جهانی‌کردن سرمایه‌داری است. غلبه کردن بر توسعه‌نیافتگی، یک پرسش زیست‌محیطی است.

در این دنیای وسیع و پهناور، جنبش نوین زیست‌محیطی به‌عنوان نیروی مبارز و پرتوان علیه جهانی‌کردن سرمایه‌داری قد برافراشته است. ماهیت این جنبش ضدیت با شرکت‌ها و امپریالیسم است. با مبارزه علیه مصوبات تجارت آزاد در آمریکای شمالی و

شرکت‌های آلوده‌کننده موضوع محیط‌زیست به یک مسأله‌ی جدی و مهم در جهان بدل شده است و موجب اتحاد بیشتر بین کارگران و گروه‌های مبارز زیست - محیطی در سراسر جهان شده است چه کسی می‌توانست اتحاد بزرگ اتحادیه‌های کارگران و هواداران محیط زیست را در سیاتل آمریکا فراموش کند؟ هم‌زمان با این جنبش ضدشرکتی که وجود دارد شاهدیم که این شرکت‌ها به‌عنوان منشأ بحران زیست‌محیطی هستند و گرایش حاکم در ایالت‌های متحد آمریکا اصلاحاتی را به‌عنوان راه‌حل در این شرکت‌ها در نظر گرفته است. بیش‌تر این جنبش‌ها، هنوز این شرکت‌ها را عامل بحران می‌دانند درحالی‌که مشکل اصلی نظام تولید سرمایه‌داری است.

مبارزه‌ی زیست‌محیطی و اتحاد با طبقه‌ی کارگر و جوامع مورد تبعیض:

جنبش زیست‌محیطی درحال حاضر از قشرهای گوناگون، نژادهای متفاوت تشکیل شده و جنبشی جهانی است همچنان‌که فدراسیون کارگران آمریکا و کنگره‌ی سازمان‌ها، موضوع زیست محیطی را در محیط‌های کار و جامعه طی چند سال گذشته در دست گرفته و رهبری می‌کنند. اما اتحاد بزرگ‌تری بین کارگران و سازمان‌های زیست‌محیطی و حامیان عدالت ایجاد شده که درحال گسترش است. بسیاری از اتحادیه‌ها، جامعه‌ی متحد کارگری را به‌وجود آورده‌اند تا در اتحاد با جوامع ستم‌دیده به‌ویژه مبارزات را به شکل سازمان یافته هدایت کنند و اتحادیه‌ها برای ایجاد این همبستگی پا را فراتر از مرزها گذاشته‌اند. جمهوری خواهان راست‌گرا گزینه‌های خویش را اعلام کرده‌اند، اما سیاست‌های بوش در این مورد به‌شدت آسیب‌پذیر است. آنان تلاش بسیاری را انجام داده‌اند تا بین کارگران و هواداران جنبش زیست - محیطی شکاف و جدایی ایجاد کنند. آنان از حربه‌ی ترس و وحشت از بیکاری و وسوسه برای مشاغل جدید به‌منظور نفوذ در اتحادیه‌ی جهانی معدن‌کاران، صنعت خودروسازی و طبقه‌ی کارگر استفاده می‌کنند. سیاست بوش برای خارج شدن دولت از اتحادیه‌ی تجاری تغییر کرده است. این شکاف به‌طور چشم‌گیری حضور آنان را در بحث پیرامون اتحادیه‌ی معدنچیان آمریکا و گرم‌شدن زمین نشان می‌دهد. اتحادیه‌ی معدنچیان آمریکا پرچمداری یکی از ۱۰ گروه یا اتحادیه‌ی جهانی را به‌دست گرفته است که شامل همبستگی جهانی کارگران الکترونیک، اتحادیه‌ی جهانی کارگران متحد مواد غذایی و تجاری، فدراسیون کار آمریکا - کنگره‌ی اتحادیه‌های صنعتی، اتحادیه‌ی دانشمندان و پنج گروه دیگر است. اتحادیه‌ی کار آمریکا موفق شده است با عهدنامه‌ی «کیوتو» مخالفت کند. به هر حال تعداد بسیار مهمی از متحدان محیط‌زیست پیش از این متحد شده بودند. اتحادیه‌ی دانشمندان نگرانند و به گفت‌وگو با این گروه‌ها، سال‌ها ادامه داده‌اند تا به یک سیاست یا تدبیر برای کاهش

گرم شدن زمین و حفظ مشاغل نزدیک شوند. آنها این تشکیلات را گروه کار سبز و آبی نهاده‌اند. در ماه فوریه آنان با دو اتحادیه‌ی دیگر متحد شدند تا برنامه‌ی آب و هوایی بوش را محکوم کنند و پیشنهاد تغییراتی که می‌توانند مشاغل جدیدی را موجب شود، مطرح کرده‌اند.

موسسه سیاسی - اقتصادی و مرکز حمایت اقتصادی پژوهشی، مطلبی را منتشر کرده‌اند که درخواست کاهش انتشار دی اکسیدکربن تا ۲۷ درصد زیر سقف طرح ۲۰۱۰ و ۵۱ درصد زیر سقف طرح ۲۰۲۰ را خواستار شده‌اند. این تغییرات در تولید شماری از مشاغل جدید را تا ۶۶۰۰۰۰ نفر در پرونده‌ی ۲۰۱۰ و ۱/۴ میلیون نفر در پروژه‌ی ۲۰۲۰ افزایش خواهد داد. و درآمد کافی را تا پنج سال آینده تأمین می‌کند و جایگزینی است برای کارگرانی که در روند تولید از کار بی‌کار می‌شوند. این برنامه‌ای است که ماباید آن را ترویج دهیم. افزایش سوخت اقتصادی در ماشین‌ها، وسایل نقلیه یا خودروها و کامیون‌های سبک و جدید در آمریکا می‌تواند ۴۱۰۰۰ فرصت شغلی در صنعت خودروسازی ایجاد کنند. آنان با طرح ۲۰۲۰ می‌توانند سالانه ۲۸ میلیارد روی بنزین پس‌انداز کنند. با وجود نقش اتحادیه‌ی کارگران خودروسازی در مخالفت با عهدنامه‌ی «کیوتو» حمایت از اکثریت آرام در میشیگان که کارگران خودروسازی از جمله آنان هستند جهت مهار و محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای و استفاده‌ی بیش‌تر از سوخت‌های مقرون به صرفه در خودروها را نشان می‌دهد. درست مانند مصوبات تجاری آزاد در آمریکای شمالی «نفتا» مبارزه در برابر «فتا» یا منطقه‌ی آزاد تجاری در آمریکا، فرصتی مهم برای ایجاد وحدتی عمیق‌تر و گسترده بین جنبش‌های زیست-محیطی و کارگران در جوامع مورد تبعیض نژادی فراهم شده است.

تضاد بنیادی بین سرمایه‌داری و محیط‌زیست:

به نظر ما نیاز به انجام پژوهش بسیار زیادی در تضادهای مهلک بین سرمایه‌داری و محیط زیست است. چرا سرمایه‌داری ناتوان از بقاست و می‌رود تا محیط‌زیست را نابود سازد که به این نابودی تنها اشاره‌ای می‌کنیم. مارکس بر اساس تحقیق «لیبک» خیلی قبل نشان داد که روش‌های کشاورزی سرمایه‌داری به سمت تهی‌سازی خاک از مواد غنی آن در حال حرکت است و می‌توانیم ببینیم در تاریخ خویش که چطور اقتصاد مبتنی بر برده، منابع غنی خاک را در جنوب به وسیله‌ی کشت تنباکو و پنبه از بین برده است. گفته می‌شود که در طی سه سال کشت تنباکو، خاک زمین در ویرجینیا تهی از هر نوع ماده‌ی معدنی شده است. در ۱۹۹۲ روزنامه‌ی «اوج زمین Earth Summit» گزارش کرد مواد معدنی که در زمین‌های کشاورزی جهان وجود دارد و مرغوبیت خاک، به‌طور اسفباری

طی صد سال گذشته کاهش یافته است که نزدیک به ۷۵ درصد از آن آمریکای شمالی را دربرمی گیرد. حفظ مواد خاک در کشورهای درحال توسعه به خاطر حداکثر سود حاصله به وسیله شرکت های برون مرزی به کلی نادیده گرفته شده است. فرسایش خاک و کاهش مواد مغذی آن در طولانی مدت می تواند به بازدهی بیش از ۵۰ درصد از زمین های کشاورزی جهان صدمه وارد کند. در سراسر این منطقه مرکب از مکزیک و آمریکا تجربه ی تهی کردن خاک از مواد غنی درحال انجام است. همچنان که جمعیت جهان رشد می کند، توسعه در زمینه ی تولید مواد غذایی به خاطر فرسایش خاک به کندی صورت می گیرد. در آمریکا در سال ۱۹۹۷ بیش از ۲ میلیارد تن سطح خاک به وسیله ی فرسایش آب و باد در زمین های کشاورزی از بین رفته است و اگر این موضوع متوقف نشود، پیام آور بیابان سازی است.

علاوه بر این فاصله ی طولانی حمل و نقل فرآورده های کشاورزی موجب شده است که ترمیم و بازسازی مواد مغذی خاک مشکل تر صورت بگیرد. مواد معدنی خاکی که فرآورده های کشاورزی در آن شکل گرفته اند و حاصل آن مواد غذایی و پویشاک است به همان سرعتی که استفاده شده است به زمین باز نمی گردد. ضایعات انسان ها به درون رودخانه ها و اقیانوس ها ریخته می شوند و به جای آن برای جبران کمبودهای ناشی از تهی شدن خاک از مواد معدنی، کشاورزی سرمایه داری از کودهای شیمیایی و مواد مصنوعی حاصل از فن آوری خویش به مقدار فراوانی استفاده می کند. به خاطر مبارزه علیه تخلیه ی فاضلاب ها به درون اقیانوس ها بسیاری از مواد زاید انسانی را می سوزانند. سپس در محل مخصوص زباله ها دفن می کنند، اما این فرآورده های شیمیایی در واقع به سمومی مرگ بار بدل می شوند. به همین سبب امروزه یک سوم از ۵۰۳ میلیارد متر مربع فاضلاب و لجن تولید شده ی هر سال در جنگل ها و زمین های کشاورزی در آمریکا انباشته می شوند. اما این رسوبات می تواند فلزهای زیادی با چگالی بالا و همچنین نیکل ها و مواد شیمیایی مانند کلر را هم در بر داشته باشد در عمل هر چیزی در فرایند صنعتی شدن انباشته می شود. علاوه بر این شرکت های مواد شیمیایی که زمانی ضایعات خطرناک خویش را در رودخانه ها و نهرها خالی می کردند. اکنون آنان را تبدیل به کود می کنند و به کشاورزان برای سود بیش تر می فروشند کار آنان قانونس است! سرمایه داری ما را در آستانه ی بحران در کشاورزی قرار داده و ده ها میلیون نفر در خطر مرگ و گرسنگی هستند. افزایش یافتن این شکاف متابولیکی همان طور که مارکس آن را بدله بین جامعه و طبیعت بیان می دارد تضاد بنیادی است که سرمایه داری نمی تواند بر آن غلبه کند. بقای انسان بستگی به غلبه بر این افتراق دارد.

شناخت محیط زیست و وحدت مردم جهان و همه‌ی گروه‌های جامعه، طبقه‌ی کارگر، جوامع مورد تبعیض نژادی بخش‌هایی از سرمایه‌داری انحصاری، دولت‌های داخلی، کشورهای درحال توسعه، جنبش‌های زیست محیطی را می‌طلبد تا نفوذ شرکت‌های برون مرزی و آلودگی‌هایی که آنان موجب می‌شوند را کنترل کنند این موضوع نمی‌تواند منتظر سوسیالیزم شود. برای مثال جنبش وسیع و گسترده‌ای باید انجام شود تا دولت بوش و کنگره را وادار سازد که نقایص و کمبودهای پیمان‌نامه‌ی «کیوتو» را بپذیرند. بحران زیست محیطی در مبارزه در برابر آن‌ها ده میلیون نیروی بالقوه با خود دارد و متقاعد شده است که علت بنیادی و ریشه‌ای تنها شرکت‌ها و کمپانی‌ها نیستند، بلکه شیوه‌ی تولید اقتصادی در نظام سرمایه‌داری عامل اصلی است. آنان خواهند فهمید که همه چیز به‌طور کامل مرتبط با فرایند تولید است، حفاظت کردن از طبیعت و انسان ملزم به تغییر در شیوه‌ی تولید است. بحران حاکم در طبیعت جهان، نیاز به واکنش و مشارکت جهانی در بهره‌برداری از منابع دارد. سوسیالیزم نظامی است که مهم‌ترین امکانات را برای همکاری جهانی بدون مداخله در روند کار، سود و منافع شرکت‌ها فراهم می‌آورد. چنین شناختی عامل قدرتمندی در پیشرفت وسیع علیه انحصارطلبی و هوشیاری سوسیالیست‌ها خواهد بود. اما برای این اتفاق ما و دیگران نیاز به تلاشی وسیع و گسترده داریم. طبقه‌ی ضدکمرنیست حاکم و اشتباه خود سوسیالیزم بدبختانه موجب به وجود آمدن عقاید غلط و نادرست درباره‌ی ارتباط سوسیالیزم با محیط زیست شده است.

ما مجبوریم به مردم کمک کنیم تا منشا این دشواری‌ها و خطاهایی که عمدی یا سهوی رخ داده و همچنین سهمی که سوسیالیزم داشته است را بهتر درک کنند.

ما باید به وضوح و به شکلی گسترده و همه جانبه دیدگاه خود را درباره‌ی سیاست‌های ضدانحصاری دولت مردمی و تصور خویش را از تشکیلات آگاهانه زیست محیطی در نظام اقتصادی سوسیالیزم توضیح دهیم. طی سال‌های ابتدایی در اتحاد جماهیر شوروی، دولت سوسیالیستی جدید پیشگام تحول در سیاست‌های زیست محیطی شد، اما به‌خاطر این‌که اتحاد جماهیر شوروی مجبور شد در یک صنعتی شدن سریع تراز معمرل و به اجبار سامان‌بخشیدن به جنگی اقتصادی، درگیر شود، سیاست‌های ادامه‌دار زیست محیطی را در اولویت بعدی قرار داد.

ما معتقد هستیم که بعضی از تحریف‌هایی که در نظریه‌ی مارکسیسم رخ داده است، متعلق به همین دوره‌ی صنعتی شدن است. این اندیشه معتقد است تسلط بر طبیعت در جامعه‌ی سوسیالیستی پیامدهای خود را بر جامعه‌ی بشری گذاشته است و این روند به

تشخیص این ضرورت، برای تغییر در طبیعت و جامعه و این‌که هر دو به هم گره خورده‌اند آسیب می‌رساند. سیاست‌های افزایش تولید و صنعتی شدن به واضح مسایل زیست محیطی سال‌های بعد را نادیده می‌گیرد. کوبا از طرف دیگر مجبور به اتخاذ شیوه‌ی متفاوتی در تقابل با محیط زیست می‌شود که در پاسخ به فروپاشی تجارت با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی می‌بود و این فروپاشی، کوبا را مجبور ساخت که ثبات اقتصادی خویش را بهبود بخشد. عدم ناتوانی در خرید کودهای شیمیایی و سموم آفت‌کش برای صنعت کشاورزی کوبا را وادار به استفاده از شیوه‌های بازافت کودهای انسانی و حیوانی و هرچیز دیگری کرد، تا بازده در کشاورزی را افزایش دهد. کمبود بنزین موجب شد، که از شیوه‌های دیگر حمل و نقل استفاده کنند. به تقریب یک میلیون دوچرخه از چین وارد شد. کوبایی‌ها پیرامون انرژی خورشیدی تحقیق و پیشرفت فزاینده‌ای انجام داده‌اند. کوبا امروزه در سراسر جهان به‌خاطر موفقیت‌های زیست - محیطی‌اش شناخته شده است. وضعیت منابع طبیعی شیلات و جنگل‌ها، انواع پروژه‌ها یا برنامه‌های حفظ مناطق غنی از تنوع پوشش گیاهی را به دولت چین واگذار کرده‌اند. ما مجبوریم ادامه دهیم تا مفهوم قانون اساسی سوسیالیستی را رشد داده و همچنان با شیوه‌ای با ثبات و آگاهانه در محیط زیست، جامعه‌ای پاک و بدون آلودگی زیست محیطی ایجاد کنیم، جایی که ما در کار، تفریح و زندگی می‌کنیم.

مونیسم و جنبش زیست - محیطی:

سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها به شکلی تاریخی نقش بسیار مهمی در جنبش زیست محیطی بازی کرده‌اند. ما نباید نقش حزب را از نظر تئوریک و عملی ناچیز فرض کنیم. بسیاری از حزب‌ها و رفقای سازمان جوانان حزب کمونیست آمریکا سال‌های طولانی رهبری گرفتن رهبری مبارزات در کارخانه‌ها و جوامع بوده‌اند. نوشته‌های «گس هال Gus Hall» و «ویرجینیا برودین Virginia Brodine» و دیگران در جنبش شناخته شده است. رون جنبش زیست محیطی طیف وسیعی از نیروهای چپ ستونی قوی و رشد یافته از بالان برجسته‌ی مارکسیستی را به وجود آورده‌اند که می‌توان به «بری کامونو Bary Commoner»، «جان بل هانی فاستر John Belamy Foster»، «جیمز اوکانر James O'Connor»، «ریچارد لیون Richard Levin» و «ریچارد میوتین Richard Lewentim» اشاره کرد. باید ارتباط کاری بیشتری را با این فعالان فراهم سازیم. مسایل سیاسی دو بخش یار مهم و ویژه در بحران زیست محیطی بوده‌اند.

نشریه‌ی هفتگی حزب کمونیست آمریکا به نام «جهان مردم People's Weekly World» نیسترو ماندو «Nuestro Mundo» عضو هیات تحریریه تلاشی آگاهانه را موجب شده و

پیشرفتی را زیر پوشش قرار داده‌اند که به نتایج و مقاله‌های متعددی که به تازگی منتشر شده است، می‌توان اشاره کرد. و این گامی مهم و اساسی در ارتباط با فعالان و مبارزان جنبش زیست - محیطی است، ضمن آنکه درخواست «پی دبلو دبلو» را در خصوص جوانان و دانشجویان منتشر کرده‌اند. کمیسیون محیط زیست بر روی بازنویسی برنامه‌ی محیط زیست مشغول به کارند و باید حضور پررنگ تری در آن کمیسیون که شامل اعضای سازمان جوانان حزب کمونیست آمریکا است داشته باشند و اطمینان حاصل کنیم که جلسه‌های کمیسیون به طور منظم برگزار می‌شود و آن‌ها را موظف سازیم به شکلی هماهنگ به کمیته‌ی ملی و دیگر مجامع گزارش دهند.

ما می‌توانیم و باید آگاهی زیست محیطی را در تمامی مجامع افزایش دهیم و مقدمات بیشتری را فراهم کنیم. نمی‌توان به آگاهی زیست محیطی و فعالیت وسیع و گسترده‌ی حزب کمونیست آمریکا فکر نکرد و آن را نادیده گرفت. این بخش مهمی از برنامه‌ی نسل جوان برای سوسیالیسم و ایجاد حزب پُرنفوذی در میان جوانانی است که به طور ویژه و خاص به این بحران زیست محیطی می‌پردازند. چشم انداز و دیدگاه آنان باید به طور بنیادی بر اساس حزب کمونیست شکل گرفته شود. ما باید به روابطمان با دیگران، در ائتلاف‌ها، کنفرانس‌ها، حوادث و کمک به ایجاد ارتباط با دیگر موضوع‌ها در جنبش‌ها عمق ببخشیم.

ما باید با قاطعیت حضورمان را در بحث‌های عقیدتی که در جنبش زیست محیطی افتخار می‌افتد، افزایش دهیم. ما باید مقاله‌ها و جزوه‌های خاصی را منتشر کنیم، که ارتباط بوش با راست‌های افراطی و از همه بدتر با شرکت‌های آلوده‌کننده را بر ملا سازد. با چند کلامی از مارکس به مبحث خویش خاتمه دهیم:

«از دیدگاه یکی از بلندپایه‌ترین متخصصان موجود در مسایل اجتماعی - اقتصادی، مالکیت خصوصی در میان گروهی خاص به همان اندازه نامعقول و ناصحیح می‌تواند باشد که مالکیت خصوصی یک انسان بر روی دیگری غیر منطقی و غیر اصولی است. هیچ جامعه‌ای، هیچ ملتی و حتا کلیه‌ی ملت‌هایی که در یک دوران تاریخی زندگی می‌کنند، صاحبان کره‌ی زمین نیستند. آن‌ها می‌توانند از مالکیت زمین برخوردار و از آن بهره‌مند شوند و آن را با شرایط بهتر به آیندگان انتقال دهند. درست مانند مالک خانه‌ای که از خانه‌ی خویش به خوبی نگهداری می‌کند و آن را به مالک بعدی انتقال می‌دهد.

آینده‌ی بشر در خطر است. ما خواستار پاسخ‌گیری هستیم و می‌خواهیم نه تنها برای نسلی که ما فرزندان آنیم بلکه برای بقا و شکوفایی طولانی مدت بشر و وضعیت آینده‌ی آنان مطمئن شویم.»